
اثر شکایت از احکام بر اجرای احکام

تألیف

حسن سلطانی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

انتشارات مجل

سرشناسه : سلطانی، حسن
 عنوان قراردادی : ایران، قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : اثر شکایت از احکام بر اجرای احکام/ تألیف: حسن سلطانی.
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۰۰۹-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : اجرای حکم - ایران
 موضوع : تجدیدنظر قضایی - ایران
 موضوع : آرای حقوقی - ایران
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ الف ۲۸۵/ KMHT۷۹۵
 رده بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵۰۷۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۱۷۶۰



عنوان کتاب: اثر شکایت از احکام بر اجرای احکام
 تألیف: حسن سلطانی
 ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
 ویراستار: سعیدرضا علی عسکری
 ناظر فنی: امین لشکری
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲
 قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۰۰۹-۵

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰ <http://www.junglepub.org>
 email:// Info@junglepub.org ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: کلیات

- مبحث اول: مفاهیم ۳
- گفتار اول: حکم، اجرای حکم، شکایت از احکام، توقف اجرای حکم ۳
- بند اول: حکم ۳
- بند دوم: اجرای حکم ۵
- بند سوم: شکایت از احکام ۶
- بند چهارم: توقف اجرای حکم ۸
- گفتار دوم: واخواهی، تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ۱۱

- بند اول: واخواهی ۱۱
- بند دوم: تجدیدنظرخواهی ۱۳
- بند سوم: فرجام‌خواهی ۱۵
- بند چهارم: اعاده دادرسی ۱۸
- بند پنجم: اعتراض ثالث ۲۱
- مبحث دوم: انواع احکام و انواع اجرا ۲۴
- گفتار اول: انواع احکام ۲۴
- بند اول: اعلامی و اجرایی ۲۴
- بند دوم: حضوری و غایبی ۲۷
- بند سوم: قطعی و غیر قطعی ۲۹
- بند چهارم: قابل اعتراض و غیر قابل اعتراض ۲۹
- بند پنجم: لازم‌الاجرا و غیر لازم‌الاجرا ۳۲
- گفتار دوم: انواع اجرا ۳۲
- بند اول: اجرای اختیاری ۳۳
- بند دوم: اجرای اجباری ۳۴
- مبحث سوم: آثار شکایت از احکام ۳۷
- گفتار اول: اثر انتقالی ۳۹
- گفتار دوم: اثر توقیفی ۴۱
- گفتار سوم: اثر نسبی ۴۲

فصل دوم: اثر طرق فوق العاده شکایت از احکام بر اجرای احکام

- مبحث اول: اثر فرجام خواهی بر اجرای حکم ۴۷
- گفتار اول: اثر فرجام خواهی عادی بر اجرای حکم ۴۹
- بند اول: بیان قاعده عدم تأخیر ۵۰
- بند دوم: استثنای وارد بر قاعده عدم تأخیر ۵۲
- الف) محکوم به مالی ۵۲
- حالت اول: عدم تشخیص دادگاه بر دریافت تأمین از
محکوم له ۵۳
- حالت دوم: تشخیص دادگاه بر دریافت تأمین از
محکوم له ۵۴
- ب) محکوم به غیر مالی ۵۷
- حالت اول: سپردن تأمین از سوی محکوم علیه ۶۰
- حالت دوم: سپردن تأمین از سوی محکوم علیه ۶۰
- گفتار دوم: اثر فرجام خواهی از طریق دادستان بر اجرای حکم ۶۶
- بند اول: قاعده تأخیر (توقف) ۶۷
- بند دوم: شرایط قاعده تأخیر ۶۸
۱. درخواست نقض حکم از طریق دادستان ۶۸
۲. عدم ارائه گواهی لازم از سوی محکوم علیه ۶۹
۳. ارائه تقاضای توقف از سوی محکوم علیه ۷۰

۴. تکلیف دادگاه در اخذ تأمین مناسب ۷۱
۵. اخذ تأمین مناسب از محکوم علیه ۷۲
۶. صدور دستور توقف اجرای حکم از سوی دادگاه ۷۳
۷. مدت توقف اجرای حکم ۷۵
- مبحث دوم: اثر اعاده دادرسی بر اجرای حکم ۸۰
- گفتار اول: اثر اعاده دادرسی عادی بر اجرای حکم ۸۳
- بند اول: محکوم به غیرمالی ۸۶
- بند دوم: محکوم به مالی ۸۷
۱. امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی از سوی محکوم له به تشخیص دادگاه ۸۷
- ۱-۱. زمانی که محکوم له تأمین می سپارد ۸۸
- ۱-۲. زمانی که محکوم له تأمین نمی سپارد ۸۹
۲. عدم امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی از محکوم له به تشخیص دادگاه ۹۲
- گفتار دوم: اثر اعاده دادرسی فوق العاده بر اجرای حکم ۹۴
- مبحث سوم: اثر اعتراض ثالث بر اجرای حکم ۱۰۰
- گفتار اول: قاعده عدم تأخیر ۱۰۲
- گفتار دوم: استثناء و شرایط آن ۱۰۲
۱. تقاضای معترض ۱۰۳

۲. غیرقابل جبران بودن ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ۱۰۴
۳. سپردن تأمین ۱۰۵
۴. توقف در مدت معین ۱۰۷

فصل سوم: اثر طرق عادی شکایت از احکام

بر اجرای احکام و مقایسه آثار

- مبحث اول: اثر طرق عادی شکایت از احکام بر اجرای احکام ۱۱۳
- گفتار اول: اثر وخواهی بر اجرای حکم ۱۱۳
- بند اول: وخواهی در مهلت ۱۱۴
- بند دوم: وخواهی در خارج از مهلت ۱۱۶
۱. ابلاغ واقعی به محکوم علیه ۱۱۸
۲. ابلاغ قانونی به محکوم علیه ۱۲۰
- گفتار دوم: اثر تجدیدنظر بر اجرای حکم ۱۲۴
- بند اول: تجدیدنظر در مهلت قانونی ۱۲۵
- بند دوم: تجدیدنظر در خارج از مهلت قانونی ۱۲۷
۱. صدور قرار رد دادخواست ۱۲۹
۲. صدور قرار قبول دادخواست ۱۳۰
۳. اعلام حکم قطعی به صورت غیرصحیح از سوی دادگاه ۱۳۱

- مبحث دوم: مقایسه آثار شکایت از احکام بر اجرای احکام..... ۱۳۴
- گفتار اول: مقایسه اثر فرجام‌خواهی بر اجرای حکم با اثر سایر
طریق..... ۱۳۴
- بند اول: مقایسه اثر فرجام‌خواهی با اثر اعاده دادرسی..... ۱۳۶
۱. وجوه اشتراک..... ۱۳۶
۲. وجوه افتراق..... ۱۳۷
- بند دوم: مقایسه اثر فرجام‌خواهی با اثر اعتراض ثالث..... ۱۴۲
۱. وجوه اشتراک..... ۱۴۲
۲. وجوه افتراق..... ۱۴۳
- بند سوم: مقایسه اثر فرجام‌خواهی با اثر تجدیدنظر و
واخواهی..... ۱۴۷
۱. وجوه اشتراک..... ۱۴۸
۲. وجوه افتراق..... ۱۴۹
- گفتار دوم: مقایسه اثر اعاده دادرسی بر اجرای حکم با اثر سایر
طریق..... ۱۵۲
- بند اول: مقایسه اثر اعاده دادرسی با اثر اعتراض ثالث..... ۱۵۲
۱. وجوه اشتراک..... ۱۵۲
۲. وجوه افتراق..... ۱۵۳
- بند دوم: مقایسه اثر اعاده دادرسی با اثر واخواهی و
تجدیدنظرخواهی بر اجرای حکم..... ۱۵۷

۱. وجوه اشتراك	۱۵۷
۲. وجوه افتراق	۱۵۸
گفتار دوم: مقایسه اثر اعتراض ثالث با اثر دیگر طرق شکایت بر اجرای حکم	۱۵۹
۱. وجوه اشتراك	۱۶۰
۲. وجوه افتراق	۱۶۰
نتیجه گیری	۱۶۵
منابع و مأخذ	۱۷۱

علائق اختصاری

ق.آ.د.م	 قانون آیین دادرسی مدنی
آ.د.م	 آیین دادرسی مدنی
ق.ا.ا.م	 قانون اجرای احکام مدنی
د.م	 دادرسی مدنی
ا.ا.م	 اجرای احکام مدنی
ق.آ.د	 قانون آیین دادرسی
ق.م	 قانون مدنی

پیگمتر

پس منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر
اندرش مزید نعمت! اما بعد از حمد و سپاس درگاه باری تعالی؛ از آنجا
که بخش عمده این کتاب برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده
در دانشگاه قم می باشد و در این رهگذر، برخی اساتید محترم نقش
یه سزایی داشتند، شایسته است از راهنمایی ها و تلاش های ارزنده آنان به
ویژه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حسین همت کار و استاد محترم
مشاور جناب آقای دکتر مهدی حسن زاده تشکر و قدردانی کنم. از
خدای متعال طول عمر با عزت و موفقیت روزافزون ایشان را مسألت دارم.

حسین سلطانی

در آیین دادرسی مدنی، در مبحث رسیدگی به شکایات، هنگامی که حکم قطعی و لازم الاجرا از دادگاه صادر شد، محکوم‌له می‌تواند از دادگاه تقاضای اجرای آن را بنماید تا براساس آن بتواند حقوق از دست رفته خود را تصرف و استیفاء نماید. از طرفی قانون‌گذار برای رعایت جوانب احتیاط و پیشگیری از خطای احتمالی دادگاه شرایطی را برای محکوم‌علیه فراهم ساخته تا او بتواند بر حکم مذکور اعتراض و یا شکایت نماید. به موجب قانون، احکام صادره از محاکم به دو روش عادی (واخواهی و تجدیدنظرخواهی) و فوق‌العاده شکایت از احکام (فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث)، قابل اعتراض می‌باشند از آنجا که اعتراض محکوم‌علیه، ارتباط مستقیم با اجرای حکم دارد و تأییدی هم بر آن خواهد گذاشت؛ در نتیجه قانون‌گذار به موجب برخی مواد قانونی در آیین دادرسی مدنی برای شکایت از احکام در اجرای حکم آثاری مترتب کرده است. در مواد ۳۰۶ و ۳۴۷ آثار واخواهی و تجدیدنظر بر اجرای حکم، مواد ۳۸۶ و ۳۸۹ آثار فرجام‌خواهی، ماده ۴۳۷ آثار اعاده

دادرسی و ماده ۴۲۴ آثار اعتراض ثالث بر اجرای حکم را بیان کرده است به گونه‌ای که هر کدام از این شکایت‌ها آثار متفاوتی بر اجرای حکم دارند، گاهی اثر توقیفی «البته با درجات متفاوت» بر اجرای حکم داشته و گاهی این شکایات بر اجرای حکم هیچ تأثیری ندارند. در این کتاب آثار مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرند و ضمن بیان میزان اثرگذاری هر یک از آنها بر اجرای حکم، به مقایسه و ارزیابی این آثار با یکدیگر و استخراج وجوه افتراق و اشتراک آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود.

در بررسی‌های به عمل آمده از بین کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های مختلف؛ در رابطه با موضوع «اثر شکایت از احکام بر اجرای احکام» به صورت خیلی پراکنده و مختصر، البته با عناوین متفاوت، مورد پژوهش قرار گرفته بود. اما هیچ کدام به صورت ویژه و به صورت جامع، اثر شکایت از احکام بر اجرای احکام را پژوهش و بررسی نکرده بودند. در بعضی از این مقالات که در این تحقیق هم بعضاً مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به اختصار و با اشاره جزئی و گذرا اثر یکی از طرق مختلف شکایت، آن هم در حد چند صفحه مطالبی را ذکر کرده‌اند. البته یکی از اساتید (جناب آقای دکتر مهدی حسن‌زاده)، تقریراتی را در این مبحث داشتند که متأسفانه به رغم تلاش انجام شده، امکان بهره‌مندی از آن‌ها فراهم نشد. بنابراین، با بررسی‌هایی که اینجانب داشتم به نظر

می‌رسد، در خصوص موضوع اثر شکایت از احکام، بر اجرای احکام به صورت جامع، پژوهش قابل ذکر صورت نگرفته است.

به طور کلی، همه دعاوی حقوقی مطروحه در دادگاه‌ها ناشی از اختلافی است که بر سر ادعای اصحاب دعوا نسبت به حقوق مالی یا غیرمالی یکدیگر می‌باشد و زمانی که حکم دادگاه قطعی و لازم‌الاجرا شد، هر یک از طرفین دعوا ضرورتاً باید بدانند، اجرای حکم صادره از دادگاه تا چه اندازه از ضمانت اجرا، ثبات و اتقان لازم برخوردار است تا بتواند اجرا شود و یا به عکس اگر خطایی در صدور حکم صورت گرفته است؛ محکوم علیه تا چه اندازه می‌تواند این خطا را با توقف اجرای حکم برطرف سازد، یا برای همیشه رأی صادره را نقض نماید.

معرفی و شناسایی تفاوت‌ها و اشتراک‌های موجود در رویکرد قانون‌گذار نسبت به اثرات طرق مختلف شکایت از احکام، بر اجرای حکم و ارائه تصویری مناسب از انطباق یا عدم انطباق مبنایی برخورد قانون‌گذار، در طرق مختلف شکایت با در نظر گرفتن اصول تساوی حقوق اصحاب دعوا و صحت آرای صادره از محاکم، موضوع مهمی بود که انگیزه نگارنده را در انجام این تحقیق تقویت می‌کرد.

این کتاب با هدف تبیین و بحث و بررسی پیرامون آثار مترتب بر اجرای احکام حقوقی، با در نظر گرفتن حقوق و مصالح خواهان و

خواننده و از طرف دیگر، تکالیفی که برای دادگاه با قلمروهای متفاوت در شکایت از احکام بر اجرای احکام حادث است، تدوین شده است.

بنابراین، کتاب حاضر به خوبی می‌تواند، تبعات و آثار مترتب بر حقوق اصحاب دعوا را روشن نموده و کلای آنها را آگاه سازد. از سوی دیگر، می‌تواند حدود اختیارات و شیوه رسیدگی به پرونده‌ها را برای دادگاه و قاضی بیان کرده، دسته‌بندی و روشن نماید تا برای دانشجویان حقوق در مقام تحقیق و پژوهش و برای مأموران اجرا، به ویژه مأموران اجرای احکام و برای دادرسان در مقام رسیدگی و تصمیم‌گیری به این دعاوی و برای اصحاب دعوا و وکلای آنها در دفاع و پیگیری پرونده‌های مذکور، مفید باشد. در نهایت این کتاب می‌تواند، در برنامه‌ریزی‌های آتی قانون‌گذار در آیین دادرسی مدنی مؤثر افتد.

سؤالاتی که در این کتاب مورد توجه‌اند عبارت‌اند از:

اثر شکایت از احکام (واخواهی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث) بر اجرای حکم حقوقی چیست؟
علت تفاوت آثار شکایت از احکام چیست و چگونه ارزیابی می‌شود؟

به موجب مواد قانونی مرتبط در آیین دادرسی مدنی؛ در واخواهی، تجدیدنظرخواهی، اعاده دادرسی، فرجام‌خواهی و اعتراض ثالث از

احکام صادره دادگاه‌ها، آثار متعددی بر اجرای حکم مترتب است که بسته به نوع شکایت این آثار متفاوت خواهند بود. به گونه‌ای که در برخی موارد به صورت مطلق، اجرای حکم را متوقف می‌نماید و در برخی دیگر، توقف نسبی صورت می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت هر چند تفاوت‌هایی در روند اثرگذاری شکایات بر اجرای حکم متصور است، اما به نظر می‌رسد همگی از دو قاعده مشترک مبنایی بهره‌مندند و آن اینکه؛ قطعاً لازم است برای دادگاه و محاکم قضایی به میزان کافی پشتوانه و محتوای قانونی مستندات شاکی و معترض محرز باشد تا بتوانند، اجرای حکم را متوقف نمایند و الا قانون‌گذار نه تنها خلل در اجرای حکم را جایز نمی‌داند، بلکه نسبت به آن بی‌توجه بوده و اصل را بر صحت رأی صادره می‌داند.

برخورد متفاوت قانون‌گذار با طرق مختلف شکایت از احکام در مالی یا غیرمالی بودن نوع محکوم‌به، نیاز یا عدم نیاز به سپردن تأمین در توقف اجرای حکم، ارتباط مستقیم به نوع شکایت دارد. به طوری که در بعضی مواقع توقف اجرای حکم، با سپردن تأمین یا مالی یا غیرمالی بودن نوع محکوم‌به، امکان‌پذیر می‌شود و در مواقع دیگر، توقف اجرای حکم، هیچ ارتباطی به نوع محکوم‌به یا سپردن تأمین ندارد. در نتیجه به نظر می‌رسد، عمده این تفاوت‌های مورد توجه قانون‌گذار، از پشتوانه

منطقی و عقلایی کمتری برخوردار باشند و چه بسا با اصل عدالت و تساوی حقوق اصحاب دعوا در محضر دادگاه هم منافات داشته باشد.

همان گونه که در بند ۲ گذشت، در خصوص این موضوع، به طور خاص تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است، بنابراین، برای شناسایی منابع به کتابخانه‌های متعدد، از جمله، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه تخصصی فقه و اصول قم، کتابخانه مرکزی و دانشکده حقوق دانشگاه قم، کتابخانه تخصصی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به دفعات مراجعه شد و در عین حال، سایت‌ها و منابع اینترنتی متعدد و مرتبط حقوقی هم سرکشی شد و در کنار این مراجعات با برخی وکلا و اساتید حقوق، علاوه بر اساتید محترم جلساتی برگزار شد، اما به رغم افاضاتی که به دست آوردم، به نظر می‌رسید، هیچ کدام از منابعی که شناسایی شدند، این موضوع را به خوبی تجزیه و تحلیل نکرده‌اند، در نتیجه، بدیهی بود مطالعه منابع شناسایی شده کمتر مطالبی را که نگارنده دنبال آن بود عرضه کرده بودند. در خصوص تقریرات درس استاد گرامی جناب آقای دکتر مهدی حسن‌زاده که در نیمه اول سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹، مطالب ارزشمندی ارائه شده بود که از مطالب آن سابقه‌ای یافت نشد و تلاش برای به دست آوردن نسخه‌ای لازم آن، بی‌نتیجه ماند.

به هر روی این کتاب به روش تحلیلی و توصیفی و با جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته و با استفاده از منابع و متون

پژوهشی متعدد اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و سایت های اینترنتی، با در نظر گرفتن اصول و مبانی منطقی، تدوین شده است.

با توجه به موضوع کتاب به نظر می رسد، ابتدا پلانی که می شد برای آن در نظر گرفت، در چهار فصل قابل ارائه باشد. به همین جهت در مرحله نخست، فصل اول، به مفاهیم و کلیات اختصاص داده شد، فصل دوم به طرق عادی فصل سوم به طرق فوق العاده شکایت از احکام و فصل چهارم به مقایسه و ارزیابی آثار با یکدیگر اختصاص داده شد. در مرحله بعد که تا اندازه ای هم بر روی مطالب کار شده بود، تقسیم بندی انجام شده را چندان منطقی به نظر نمی رسید و نوع دیگری از تقسیم بندی را مقرر کردیم، به این صورت که، علاوه بر فصل اول که به کلیات و مفاهیم می پردازد؛ وخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی در کنار یکدیگر، فصل دوم را تشکیل بدهند و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث هم در فصل سوم باشند و فصل چهارم نیز به ترتیب قبل، یعنی به مقایسه و ارزیابی آثار با یکدیگر اختصاص داشته باشد مشکلی که این شیوه داشت، هر چند به لحاظ حجمی، تعداد صفحات از توازن منطقی تری نسبت به تقسیم بندی قبلی برخوردار بود اما به نظر می رسید واقع شدن یک طریق فوق العاده در کنار دو طریق عادی شکایت از احکام خیلی توجیه نداشته و به نوعی تقسیم بندی صورت گرفته از سوی قانون گذار را نیز تحت الشعاع قرار داده بود. در نتیجه بعد از کسب نظر

استادان محترم، مجدد پلان تحقیق با تغییراتی به حالت نخست برگشت داده شد، با این تفاوت که، چون عمده مباحث کتاب، ناظر به آثار طرق فوق العاده شکایت از احکام بر اجرای حکم است، در نتیجه، به نظر می‌رسید از درجه اهمیت بیشتری هم برخوردار باشد و به همان نسبت هم از اولویت بیشتر، بنابراین، فصل دوم، به آثار طرق فوق العاده شکایت از احکام بر اجرای احکام اختصاص داده شد و فصل سوم به آثار طرق عادی شکایت از احکام بر اجرای حکم اختصاص یافت. اما از آنجا که فصل سوم به لحاظ حجمی اندک بود و از سوی دیگر در فصل چهارم هم شرایط مشابه وجود داشت و به لحاظ حجمی کم بود، در نتیجه فصل چهارم، که مقایسه و ارزیابی آثار طرق مختلف شکایت احکام بود؛ تحت عنوان یک مبحث به فصل سوم افزوده شد. در نتیجه، با این تغییرات به نظر می‌رسد؛ هم توازن صفحات فصول رعایت شد و هم چیدمان فصول، براساس اهمیت مطالب صورت گرفته باشد.

هر چند می‌توان روش‌های تقسیم‌بندی دیگری نیز در این خصوص ارائه کرد؛ اما به نظر می‌رسد این نوع تقسیم‌بندی در پلان کتاب، با توجه به مطالبی که ذکر شد، بر دیگر روش‌ها ترجیح دارد.